

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خدا
دانشگاه تهران
دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی

تأثیر همگرایی سیاسی و همکاری های اقتصادی در
اتحادیه ی اروپا بر هژمونی ایالات متحده ی آمریکا

نگارش:

سعید اخوان

استاد راهنما:

آقای دکتر سید داوود آقایی

استاد مشاور:

آقای دکتر محمدرضا مجیدی

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد در
رشته ی مطالعات منطقه ای – گرایش مطالعات اروپا

شهریورماه ۱۳۹۰



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی مطالعات منطقه ای
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: سعید اخوان

در رشته : مطالعات منطقه ای گرایش : مطالعات اروپا

با عنوان : تاثیر همگرایی سیاسی و همکاری های اقتصادی در اتحادیه اروپا بر هژمونی ایالات متحده امریکا

را در تاریخ : ۱۳۹۰/۶/۷

به عدد	به حروف
۱۹۱۵	هزاره و پنجاه

با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

عالی

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر سید داود آقایی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر محمدرضا مجیدی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر علی صباغیان	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر احمد دوست محمدی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .





جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره
تاریخ: ۱۳۹۰/۳/۳
پیوست

باسمه تعالی

تعمد نامه اصالت اثر

اینجانب سید افران متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو: سید افران

امضاء سید افران

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

چکیده:

به رغم این واقعیت که اتحادیه ی اروپا و ایالات متحده ی آمریکا از مشخصه های مشترک فراوانی در زمینه های مسایل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برخوردارند و می توانند به مثابه ی شرکای استراتژیکی در نظر گرفته شوند؛ اما با این حال، چالش ها، واگرایی ها و موانعی بین دو بازیگر اصلی دو سوی اقیانوس اطلس وجود دارد. در واقع، تفاوت های بین این دو بازیگر در مواردی می تواند هژمونی ایالات متحده را به چالش بکشانند.

این پژوهش بر آن است تا واگرایی های بین اتحادیه ی اروپا و ایالات متحده را مشخص سازد. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که یک اتحادیه ی اروپای قوی تر می تواند پشتیبان و حامی ایالات متحده در نظام بین الملل و سیاست جهانی باشد. اما در عین حال، اتحادیه ی اروپا می تواند نقش یک رقیب جدی، قوی و زیرک را برای ایالات متحده ایفا نماید.

واژگان کلیدی: روابط فراآتلانتیک، اتحادیه ی اروپا، همگرایی، هژمونی، ایالات متحده ی آمریکا، همگرایی سیاسی، منطقه گرایی، همکاری های اقتصادی، واگرایی، یکجانبه گرایی، چند جانبه گرایی

سپاسگزاری

«نشان ناشناسی، ناسپاسی است
شناسایی حق در حق شناسی است»
گلشن راز شیخ محمود شبستری

خدای بزرگ را سپاسگزارم که مرا مرهون الطاف بی دریغ خود قرار داد تا بتوانم این پروژه ی پژوهشی را تهیه و به پایان برسانم.

با تشکر و سپاس فراوان از استادان بزرگوارم:

جناب آقای دکتر سید داوود آقایی، استاد محترم راهنما، که با ارشادات و راهنمایی های علمی و اخلاقی خود، انجام این پژوهش را میسر نمودند و جناب آقای دکتر محمدرضا مجیدی، استاد محترم مشاور که با راهنمایی های ارزنده ی خود، مرا یاری نمودند.

از تمامی استادان محترم گروه مطالعات منطقه ای که در طول دوران تحصیلات دانشگاهی از محضرشان استفاده نمودم.

از جناب آقای دکتر علی صباغیان که زحمت داوری پایان نامه را متقبل شدند.

از مدیریت محترم گروه مطالعات منطقه ای، جناب آقای دکتر احمد دوست محمدی، که همکاری ها و مساعدت های بی شائبه شان روند اجرایی و اداری این پژوهش را تسهیل نمود.

از همه ی ارگان ها، نهادها، ادارات و کتابخانه هایی که به نحوی از انحاء با آنان در تماس بودم و استقبال آنان مشوق تلاشم گردید.

در نهایت از همه ی افرادی که به گونه ای در تهیه و تنظیم، تدوین و فراهم نمودن تسهیلات و امکانات لازم در راستای تکمیل و بهبود این پروژه ی پژوهشی اینجانب را یاری نمودند، صمیمانه کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
چکیده.....	یک
بخش اول: کلیات طرح پژوهشی	۱
الف- مقدمه.....	۲
ب- تعریف مسأله: بیان مسأله و طرح موضوع.....	۴
ج- اهداف پژوهش.....	۵
د- اهمیت و ضرورت پژوهش با تأکید بر نتایج کاربردی آن.....	۵
ه- پرسش های پژوهش و فرضیه ها.....	۶
ه-۱: پرسش اصلی پژوهش.....	۶
ه-۲: پرسش های فرعی پژوهش.....	۶
ه-۳: فرضیه ی اصلی پژوهش.....	۷
ه-۴: مفروض پژوهش.....	۸
و- چارچوب نظری.....	۸
ز- روش ها و فنون اجرایی طرح(مشخصات اجرایی طرح روش های جمع آوری داده ها و تجزیه و تحلیل آن ها).....	۹
ح- پیشینه ی پژوهش: نگاهی اجمالی به بررسی آثار منتشر شده در راستای ادبیات پژوهش.....	۱۰
ط- سازماندهی پژوهش.....	۱۳

بخش دوم: سیر همگرایی در اتحادیه ی اروپا و واکنش ایالات متحده ی آمریکا به آن:

ضرورت ها، چالش ها و فرصت ها ۱۵

فصل اول: روند همگرایی در اروپا: ضرورت ها، چالش ها و دستاوردها ۱۶

خلاصه، جمع بندی و نتیجه گیری.....

فصل دوم: رویکرد ایالات متحده ی آمریکا به روند همگرایی اتحادیه ی اروپا در دوران

جنگ سرد ۲۵

الف: مقدمه ۲۶

ب: رویکرد ایالات متحده ی آمریکا به روند همگرایی در اتحادیه ی اروپا در دوران جنگ سرد ۲۶

خلاصه ی بحث، جمع بندی و نتیجه گیری کلی ۳۳

فصل سوم: رویکرد ایالات متحده ی آمریکا به روند همگرایی در اروپا در دوران پس از

پایان جنگ سرد ۳۶

الف- مقدمه ۳۷

ب- رویکرد ایالات متحده ی آمریکا به روند همگرایی در اروپا در دوران پس از جنگ سرد ۳۷

ج- خلاصه و جمع بندی ۳۹

بخش سوم: مفاهیم نظری هژمونی و هژمونی ایالات متحده ی آمریکا ۴۴

فصل اول: هژمونی: بنیان ها و مبانی نظری ۴۵

الف- مفهوم هژمونی: بررسی ابعاد و زوایای مختلف آن ۴۶

ب- نظریه ی ثبات هژمونیک ۴۸

- ج- مؤلفه های یک قدرت هژمون ۵۳
- د- خلاصه و جمع بندی ۵۵
- فصل دوم: بررسی هژمونی ایالات متحده ی آمریکا پس از پایان یافتن جنگ سرد ۵۶
- الف- مقدمه ۵۷
- ب- پایان جنگ سرد و هژمونی سیاسی - نظامی ایالات متحده ی آمریکا ۵۹
- ت- مقدمه و بیان مسأله ۵۹
- ب-۲- موقعیت هژمونیک ایالات متحده ی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد به لحاظ سیاسی - نظامی ۶۱
- ب-۳- هژمونیسیم تجاری - اقتصادی ایالات متحده ی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد ۶۳
- ج- تأثیر رویداد ۱۱ سپتامبر هژمونی ایالات متحده ی آمریکا ۶۷
- د- خلاصه ی بحث، جمع بندی و نتیجه گیری ۶۸
- بخش چهارم: چشم انداز کلی و درآمدی به مناسبات فراآتلانتیکی ۷۳**
- فصل اول: بررسی ملاحظات سیاسی در مناسبات فراآتلانتیکی ۷۴
- الف- مقدمه ۷۵
- ب- اروپا و ایالات متحده در عرصه ی مسایل سیاسی: دو رقیب یا دو رفیق؟ ۷۵
- ج- خلاصه، جمع بندی و نتیجه گیری ۸۲
- فصل دوم: بررسی ملاحظات اقتصادی در مناسبات فراآتلانتیکی ۸۵
- الف- مقدمه و بیان مسأله ۸۶
- ب- رقابت و رفاقت در دو سوی آتلانتیک: از همکاری های مصلحت جویانه تا رقابت های ستیزه جویانه ۸۷
- ج- خلاصه و جمع بندی ۹۱

فصل سوم: بررسی ملاحظات استراتژیکی - امنیتی و دفاعی - نظامی در مناسبات فراآتلانتیکی ۹۲

الف- مقدمه و بیان مسأله ۹۳

ب- اروپای متحد: دیواری مستحکم در برابر ایالات متحده یا دژی بی دفاع؟ ۹۴

ج- تشکیل نیروی واکنش سریع در اتحادیه ی اروپا و تأثیر آن بر روابط فراآتلانتیکی ۹۹

د- خلاصه و جمع بندی ۱۰۳

فصل چهارم: در آمدی اجمالی به مناسبات فراآتلانتیکی با تأکید بر ملاحظات تاریخی - فرهنگی ۱۰۵

بخش پنجم: بررسی واگرایی و همگرایی دو سوی آتلانتیک ۱۱۵

فصل اول: بررسی واگرایی و همگرایی بین ایالات متحده ی آمریکا و اتحادیه ی اروپا در

زمینه ی رفتار سیاست خارجی ۱۱۶

الف- مقدمه و بیان مسأله ۱۱۷

ب- واگرایی بین اتحادیه ی اروپا و ایالات متحده ی آمریکا بر سر جنگ عراق در سال ۲۰۰۲ ۱۱۸

ج- واگرایی و همگرایی بین دو سوی آب های اقیانوس اطلس در مورد منطقه ی خاورمیانه با تأکید بر

مسأله ی روند صلح در این منطقه ۱۲۳

ج-۱: مقدمه ۱۲۳

ج-۲: جنبه های مشترک و موارد همسویی ۱۲۴

ج-۳: زمینه های واگرایی و جنبه های مورد اختلاف و غیر همسویی ۱۲۵

ج-۴: نگاهی به نقش، جایگاه و عملکرد اتحادیه ی اروپا در برقراری روند صلح در منطقه ی خاورمیانه ۱۲۶

د- رویکرد دو سوی آتلانتیک در مورد پرونده ی هسته ای ایران ۱۳۳

د-۱: رویکرد ایالات متحده ی آمریکا نسبت به برنامه ی هسته ای ایران ۱۳۳

- د-۲: نگاهی گذرا به تاریخچه ی هسته ای شدن ایران ۱۳۵
- د-۳: دو رویکرد متفاوت از سوی اتحادیه ی اروپا نسبت به برنامه ی هسته ای ایران ۱۳۷
- فصل دوم: بررسی و واگرایی و همگرایی بین دو سوی آتلانتیک در زمینه ی مسایل اقتصادی ... ۱۴۱**
- الف- مقدمه ۱۴۲
- ب- چالش دلار با یورو ۱۴۳
- ج- مناقشه ی دو سوی آتلانتیک در بخش کشاورزی ۱۵۰
- ج-۱: مقدمه ۱۵۰
- ج-۲: جنگ موز ۱۵۲
- ج-۳: مناقشه ی دو سوی آتلانتیک بر سر موضوع گوشت های هورمونی ۱۵۴
- ج-۴: مناقشات بر سر فرآورده ها و محصولات که به طور ژنتیکی مهندسی شده اند ۱۵۶
- د- اختلاف دو سوی آتلانتیک در بخش صنعت ۱۵۹
- د-۱: مقدمه ۱۵۹
- د-۲: اختلاف دو سوی آتلانتیک در زمینه ی مسایل مربوط به صنعت هواپیماسازی ۱۵۹
- د-۳: مناقشه ی دو سوی آتلانتیک در زمینه ی فولاد ۱۶۲
- ه- اختلاف دو سوی آتلانتیک در مورد اعمال تحریم های اقتصادی ۱۶۶
- ه-۱: مقدمه ۱۶۶
- ه-۲: نقش سازمان ملل متحد در اعمال تحریم های بین المللی ۱۶۶
- ه-۳: اختلاف دو سوی آب های اقیانوس اطلس در مورد تحریم ایران و لیبی ۱۶۸
- ه-۴: اختلاف دو سوی آتلانتیک بر سر تحریم کوبا ۱۷۱

فصل سوم: بررسی واگرایی و همگرایی بین ایالات متحده ی آمریکا و اتحادیه ی اروپا در	
زمینه ی مسایل نظامی - دفاعی و امنیتی - استراتژیکی	۱۷۳
الف- بیان مسأله و طرح موضوع	۱۷۴
ب- مقدمه	۱۷۴
ج- نقش، موقعیت و جایگاه ناتو و سیاست دفاعی - امنیتی اروپا در مناسبات و روابط فرآتلانتیکی ..	۱۷۵
د- بررسی و تبیین نقش طرح دفاع موشکی در مناسبات فرآتلانتیکی	۱۸۱
ه- نقش بحران بالکان در مناسبات فرآتلانتیک	۱۸۶
و- رویکرد باراک اوباما در قبال منطقه ی بالکان	۱۹۰
ز- تأثیر جنگ کوزوو بر مناسبات دو سوی آتلانتیک	۱۹۲
ز-۱: نقش اتحادیه ی اروپا در جنگ کوزوو و پس از آن	۱۹۳
ز-۲: نقش ایالات متحده ی آمریکا در جنگ کوزوو	۱۹۵
ح- تأثیر بحران بوسنی و هرزگوین بر مناسبات فرآتلانتیکی	۱۹۹
ح-۱: مقدمه: چگونگی پیدایش بحران در جمهوری بوسنی و هرزگوین؛ زمینه ها و علل و عوامل	۱۹۹
ح-۲: نقش اروپا در مدیریت بحران بوسنی و هرزگوین	۲۰۰
ح-۳: بررسی نقش و عملکرد ایالات متحده در بحران بوسنی	۲۰۲
ط-۱: واگرایی و همگرایی بین دو سوی آتلانتیک در مورد جنگ افغانستان	۲۰۳
ط-۲: خلاصه و نتیجه گیری	۲۰۸
جمع بندی و نتیجه گیری کلی پژوهش	۲۲۳

فهرست منابع	۲۳۱
الف- منابع فارسی	۲۳۱
الف-۱: فهرست کتب فارسی	۲۳۱
الف-۲: فهرست مقاله های فارسی	۲۳۴
ب- منابع انگلیسی	۲۴۰
ب-۱: فهرست کتب انگلیسی	۲۴۰
ب-۲: فهرست مقاله های انگلیسی	۲۴۵
ب-۳: وب سایت های انگلیسی	۲۵۳
چکیده به انگلیسی	۲۵۴

بخش اول:

کلیات طرح پژوهشی

الف: مقدمه

پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق، تغییراتی را در ساختارهای مسلط جهانی و نظام دو قطبی حاکم بر این دوران برجای نهاد. در این رابطه، به نظر می‌رسد که روابط اتحادیه‌ی اروپا و ایالات متحده‌ی امریکا نیز از چنین تغییراتی بی‌بهره نبوده است و پس از پایان جنگ سرد شاهد اختلاف نظرهایی در دو سوی آب‌های اقیانوس اطلس نیز بوده ایم.

به بیان دیگر آن‌که، با پیدایش قواعد جدید در عرصه‌ی قدرت جهانی و در پرتو نبود دشمن مشترک و فروپاشی بلوک شرق و سلطه‌ی کمونیسم، شاهد نوعی روند واگرایی در همبستگی‌های استراتژیکی در مناسبات فرآتلانتیکی نیز بوده ایم. حال این پرسش مطرح می‌گردد که واگرایی بین این دو بازیگر پس از جنگ سرد به چه میزان و در چه حوزه‌هایی بوده است؟ و آیا اساساً این روند واگرایی به گونه‌ای بوده است که چالشی برای موقعیت و جایگاه ایالات متحده در عرصه‌ی نظام بین‌الملل و سیاست جهانی ایجاد کند؟

این پژوهش بر آن است تا پاسخی برای این پرسش‌ها و سؤالاتی از این دست ارائه دهد. تا آن‌جا که به روابط بین‌اعضای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مربوط می‌شود، برخی از پژوهشگران پیدایش تغییرات در روابط اعضا این پیمان را نتیجه‌ی مشخص و معین تصمیمات ویژه و خاص برخی از سران این کشورها تلقی نمی‌کنند؛ بلکه در واقع، بر این اعتقادند که چنین سیاست‌هایی منعکس‌کننده‌ی واکنش رهبران و سران این کشورها در برابر چهار تغییر اساسی به وجود آمده در روابط اعضا پیمان ناتو محسوب می‌گردد. برای مثال هنری کیسینجر^۱ در این رابطه به چهار تغییر اشاره می‌کند:

۱- فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (بلوک شرق) و پایان جنگ سرد

۲- فروپاشی دیوار برلین و وحدت دو آلمان شرقی و غربی

۳- گرایش فزاینده به برخورد با سیاست خارجی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست داخلی

۴- پیدایش و شکوفایی یک هویت اروپای مشترک (کیسینجر، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۳)

در واقع، به نظر می‌رسد اروپائیان با درک شرایط جدید پس از جنگ سرد و شرایط راهبردی کاملاً متمایز از دوران نظام دو قطبی، در پی آن بودند تا به تقویت همگرایی و ایجاد و گسترش همکاری‌ها و همبستگی‌های درونی بین دولت‌های اروپایی بپردازند. افزون بر این، سران اتحادیه‌ی اروپا به دنبال آن بودند تا با بازتعریفی از روابط خود با ایالات متحده‌ی امریکا به شیوه‌ای نوین به نیازهای منطبق با شرایط جدید و متفاوت به وجود آمده، پاسخ بدهند و به «بازگشت اروپا به کشورهای اروپایی» جامه‌ی عمل بپوشانند. (امام جمعه زاده و تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۳۶۲)

^۱ Henry Kissinger

در مجموع، می توان این گونه اظهار داشت که امضای پیمان ماستریخت (معاهده ی اتحادیه ی اروپا) که درست چند سال پس از پایان جنگ سرد صورت پذیرفت و موجب نهادینه شدن اتحادیه ی اروپا گردید و مطرح شدن بحث اتحادیه ی اروپا با قانون اساسی واحد^۱، تأسیس پول مشترک اروپایی و در نهایت پیدایش ارتش مشترک اروپایی (نیروی واکنش سریع) و سیاست خارجی مستقل در پاسخ به چنین نیازهایی به انجام رسید.

با وجود این که در شرایط جدید که پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی، تا اندازه ای فلسفه ی وجودی روابط فرآتلانتیکی و آتلانتیک گرایي و الزامات استراتژیکی دوران پیشین را با تردید مواجه ساخته بود و به نوعی آن را به چالش کشیده بود، حادثه ی مهم دیگری در عرصه ی تحولات بین المللی به منصفه ی ظهور نشست که همچون فروپاشی بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی دیوار برلین و وحدت دو آلمان، فضای جدیدی را پدید آورد و فضای حاکم بر ساختار نظام بین الملل را دستخوش تغییراتی بنیادین نمود و آن حادثه چیزی نبود جز مسأله ی حمله به برج های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در نیویورک و پنتاگون در ایالت واشنگتن در روز ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ که از آن پس در ادبیات روابط بین الملل، تحولات سیاسی جهانی و سیاست جهان به همین نام شهرت یافت. به طور کلی، حادثه ی ۱۱ سپتامبر فضای بین المللی را در کلیه ی سطوح خود تحت الشعاع قرار داد و سبب شد تا بیش از هر چیز، فرصتی در اختیار سیاستگذاران و مسوولین سیاست خارجی ایالات متحده قرار بگیرد تا بتوانند مسأله ی «نظم نوین جهانی»^۲ را در قالب مسایل امنیتی مطرح کنند و کلیه ی مسایل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی تکنولوژیکی را در روایتی نوین به صورت موضوعی استراتژیکی - نظامی و امنیتی - دفاعی جلوه دهند و با تسلط بر فضای جدید، تعبیر جدیدی از نظم نوین جهانی و معمای امنیت ارائه دهند و همان طور که جهان پس از رویداد ۱۱ سپتامبر شاهد آن بوده است، دو جنگ مهم ایالات متحده علیه افغانستان و عراق گواهی بر پیدایش فضای جدیدی در عرصه ی روابط بین الملل گردید و در واقع، نقش اتحادیه ی اروپا و رابطه ی این بازیگر با ایالات متحده ی امریکا نیز تحت تأثیر این فضای جدید قرار گرفت. در چنین فضایی بود که اتحادیه ی اروپا به عنوان متحد استراتژیکی ایالات متحده، در عین حال که نقشی برجسته و ناشی از اشتراک منافع و تهدیدات مشترک با آمریکا ایفا نمود، در مواردی هم به سوی واگرایی با شریک و متحد استراتژیکی خود گام برداشت.

در واقع، هدف اصلی از نگارش این پایان نامه، تبیین این نکته بوده است که اساساً این واگرایی ها و همگرایی های در دو سوی آتلانتیک به چه صورتی بوده است و آیا این واگرایی از سوی اتحادیه ی اروپا توانسته است در مواردی هژمونی ایالات متحده را با چالش مواجه سازد؟ در بخش های بعدی به تبیین این مسأله خواهیم پرداخت.

^۱ . Single European Act (SEA)

^۲ . New World Order

ب) تعریف مسأله: بیان مسأله و طرح موضوع:

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یکی از دو قطب برجسته ی قدرت در نظام دو قطبی، تحولات جهانی به طور عام و دگرگونی های بنیادین در حوزه روابط بین الملل به شکل خاص، وارد مرحله ی نوینی شد. در سال های آغازین پس از پایان جنگ سرد، گمان می رفت که فروپاشی بلوک شرق به دنبال خود، هژمونیک شدن بلوک غرب و در رأس آن ایالات متحده امریکا را به دنبال خواهد داشت؛ به طوری که بسیاری از پژوهشگران و تحلیل گران مسایل روابط بین الملل بر پیدایش یک نظام تک قطبی به عنوان یکی از مدل های مطرح شده از سوی مورتون کاپلان^۱ مهر تأیید زدند. با وجود این امر، دیری نپائید که شکل گیری و استقرار نظام تک قطبی نیز با موانع و چالش های بزرگ و متعددی روبه رو گردید؛ به طوری که برخی از اندیشمندان عرصه ی روابط بین الملل و سیاست خارجی و بین الملل از عدم قطبیت^۲ در نظام بین الملل سخن به میان آوردند که به بیان دقیق تر، روند در حال گذار^۳ نام گرفت. (Zakaria, 1998, p.16)

پژوهشگران عرصه ی روابط بین الملل در پاسخ به این پرسش که چرا نظام تک قطبی به روند در حال گذار یا به تعبیری عدم قطبیت تبدیل شده است، آراء و نظریات مختلف و متفاوتی دارند و اندیشه های گوناگون و متنوعی را مطرح نموده اند. با این حال، به نظر می رسد به نقش اتحادیه ی اروپا به عنوان سد راه و مانعی در گسترش نظام تک قطبی و در واقع به عنوان بازیگری که توانسته است تا حدودی بنا به نقش ها، عملکردها و کار ویژه های خاص خود، نظام تک قطبی را به چالش بکشانند، کمتر توجه شده است. از این رو، این پژوهش در صدد آن است تا به تبیین نقش و عملکرد این عامل به مثابه ی بازیگری مهم و تأثیر گذار در به چالش کشیدن نظام تک قطبی و در رأس آن هژمونی ایالات متحده ی آمریکا بپردازد. البته در این راستا، نمی توان همکاری ها و همگرایی های بین دو سوی آتلانتیک را به طور کلی نادیده گرفت و به دست فراموشی سپرد.

در نتیجه، هنگامی که تحت عنوان کلی «تأثیر همکاری های اقتصادی و همگرایی سیاسی در اتحادیه ی اروپا بر هژمونی ایالات متحده ی آمریکا» به این بحث می پردازیم، در چارچوب مناسبات فراآتلانتیکی، هم به تأثیرات منفی این روند اشاره خواهیم داشت و هم به تأثیرات مثبت.

^۱ . Morton Kaplan

^۲ . Lack of polarity

^۳ . Transitional

ج: اهداف پژوهش :

به طور کلی، این پژوهش دو هدف کلی نظری و کاربردی را دنبال می کند. در حیطه ی نظری، این پژوهش بر آن است تا در چارچوب مناسبات فراآتلانتیکی به تبیین زمینه های واگرایی و همگرایی بین اتحادیه ی اروپا و ایالات متحده ی آمریکا پردازد و مشخص سازد که به رغم وجود همکاری هایی که بین این دو بازیگر وجود دارد، اختلافات بین آن ها تا چه حد جنبه ی ماهوی و بنیادین دارد و تا چه حد جنبه ی صوری و ظاهری - ساختاری پیدا می کند.

اما در حیطه ی عملی، هدف این پژوهش آن است که رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نسبت به این واگرایی ها و همگرایی ها تبیین کند و نشان دهد تا چه حد این رویکرد در عرصه ی سیاست خارجی موفق عمل کرده است و تا چه حدی با مانع و مشکل مواجه شده است. افزون بر این، با نگاهی به آینده ی سیاست خارجی کشورمان، چگونه می توان از این موانع و مشکلات کاست و تهدیدات پیش رو را به فرصت مبدل نمود.

د: اهمیت و ضرورت پژوهش با تأکید بر نتایج کاربردی آن:

از آنجا که این پژوهش در صدد تبیین نقش اتحادیه اروپا به عنوان بازیگری اصلی در صحنه ی روابط بین الملل و نیز به عنوان مانع و سد راهی در به چالش کشیده شدن سلطه ی هژمونیک نظام تک قطبی و در رأس آن ایالات متحده امریکاست، در نتیجه می توان اظهار داشت که اگر بتوان به خوبی از عهده ی تشریح و تبیین این مهم برآمد، می توان به رهیافت نوینی در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگری مهم و اصلی در روابط ایران و غرب به طور اعم و ایران و اتحادیه ی اروپا به طور اخص دست یافت.

به بیان دیگر آن که، اگر بتوان نقش اتحادیه اروپا را به عنوان بازیگری اصلی بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق و در رأس آن اتحاد جماهیر شوروی به تصویر کشید که رفتارهایش توانسته است نظام تک قطبی را با چالش های جدی مواجه سازد، آنگاه تحکیم روابط ایران و اتحادیه اروپا می تواند این چالش را دو چندان سازد. از این رو، این پژوهش نه تنها در حوزه ی مطالعات تئوریک و نظری می تواند زمینه ساز نگاه نوینی به اتحادیه اروپا باشد، بلکه در عرصه ی رفتار سیاست خارجی و دیپلماتیک و سیاستگذاری خارجی ایران نیز عامل مهمی در به چالش کشاندن نظام تک قطبی و هژمونی ایالات متحده ی امریکا محسوب شود. در نتیجه اهمیت این پژوهش با تأکید بر تقویت و گسترش و استحکام روابط ایران و اتحادیه اروپا می تواند قدرت ایران را هم در عرصه ی بین الملل و هم در عرصه ی منطقه ای افزایش دهد.

در واقع، هدف نگارنده ی این سطور از انتخاب این موضوع بیشتر نوعی دغدغه ی خاطر برای آینده ی سیاست خارجی ایران بود؛ به طوری که در روابط کشورمان با اتحادیه ی اروپا همواره باید به آن سوی آب های اقیانوس اطلس نیز توجه داشت و نباید از این نکته غافل شد که امریکا همواره شریک استراتژیکی اتحادیه ی اروپا بوده است. اما با این حال، واگرایی در دو سوی آتلانتیک شاید بتواند در موقعیت هایی خاص و وضعیت هایی ویژه، فرصتی برای ارتقای سیاست خارجی ایران محسوب شود. البته روشن است که لازمه ی تحقق چنین امری آن است که مسوولین و سیاستگذاران عرصه ی روابط خارجی، دیپلماتیک و سیاست خارجی نیز به دنبال ایجاد چنین فرصت هایی باشند و درصدد باشند تا حداکثر بهره برداری را از چنین فرصت ها و موقعیت هایی به عمل آورند.^۱

هـ: پرسش های پژوهش و فرضیه ها:

هـ: ۱- پرسش اصلی:

پرسش اصلی که پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخی مستدل برای آن است را می توان به شرح ذیل مطرح نمود:

پرسش اصلی: «همکاری های اقتصادی و همگرایی سیاسی در اتحادیه ی اروپا چه تأثیری بر هژمونی ایالات متحده ی آمریکا داشته است؟»

در راستای پاسخگویی به این پرسش، می توان سؤالات دیگری را نیز مطرح نمود که در درجه ی دوم اهمیت قرار دارند و در واقع، این گونه پرسش ها را می توان در زمره ی سؤالات فرعی پژوهش محسوب نمود که در ذیل به چند نمونه از این گونه پرسش ها اشاره خواهیم نمود.

هـ: ۲- پرسش های فرعی:

۱- زمینه های همگرایی و واگرایی بین ایالات متحده ی آمریکا و اتحادیه ی اروپا کدام اند؟

۲- پایان جنگ سرد چه تأثیری بر مناسبات فراآتلانتیکی داشته است؟

با در نظر گرفتن این نکته که فرضیه ی پژوهش در واقع نوعی پاسخ فرضی به پرسش اصلی پژوهش است که طی آن رابطه ی بین متغیر مستقل پژوهش و متغیر وابسته ی پژوهش روشن و مشخص خواهد شد، می توان فرضیه ی اصلی این پژوهش را به صورت ذیل بیان نمود.

۱- این موضوع به تفصیل در بخش نتایج کاربردی پژوهش مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

هـ: ۳- فرضیه ی اصلی پژوهش :

«همکاری های اقتصادی و به دنبال آن همگرایی سیاسی در اتحادیه ی اروپا در مواردی خاص، توانسته است هژمونی ایالات متحده ی آمریکا را به چالش بکشد.»

از این فرضیه چندین نکته قابل استنتاج است که به شرح آن ها می پردازیم.

۱- نکته ی اول این که همان گونه که فرضیه نشان می دهد، «همکاری های اقتصادی و همگرایی سیاسی در اتحادیه ی اروپا» به عنوان متغیر مستقل پژوهش و «هژمونی ایالات متحده ی آمریکا» به عنوان متغیر وابسته ی پژوهش در نظر گرفته شده است.

۲- نکته ی دوم اینکه، فرضیه بیانگر این ادعاست که بین متغیر مستقل و متغیر وابسته رابطه ی معناداری وجود دارد و این رابطه در مواردی خاص، می تواند یک رابطه ی جهت دار منفی باشد.

۳- نکته ی سوم این که فرضیه اساساً بر این ادعا نیست که بین دو بازیگر در دو سوی اقیانوس صرفاً واگرایی وجود دارد و همان طور که پیشتر نیز اشاره شد با در نظر گرفتن و مبنا قرار دادن مناسبات فراآتلانتیکی قطعاً در زمینه های بسیار مهمی همچون مسایل اقتصادی بین این دو بازیگر نوعی همسویی، همراهی و همگرایی نیز وجود دارد.

۴- نکته ی چهارم این که فرضیه هژمونی ایالات متحده را مفروض تلقی کرده است. بد نیست در این جا به این مهم نیز اشاره شود که در حال حاضر اساساً بحث هژمونی ایالات متحده منتفی است، اما در سال های اولیه ی پس از پایان جنگ سرد، با مطرح شدن بحث هایی همچون پایان تاریخ از سوی اندیشمندانی همچون فرانسیس فوکویاما، امپراطوری خیرخواه، لحظه ی تک قطبی و تصور پیروزی مسلم لیبرال دموکراسی بر سایر اندیشه ها و مکاتب فکری و نکات و مسایلی از این دست، این تلقی وجود داشت که هژمونی ایالات متحده ی آمریکا تثبیت شده و نظام تک قطبی به منصفه ی ظهور نشست است.

در تبیین چارچوب نظری پژوهش، این بحث را به صورت دقیق تر و مبسوط تر مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد و فقط در اینجا به ذکر این نکته بسنده می کنیم که درست در همان ایام پس از پایان جنگ سرد، با تصویب پیمان ماستریخت (معاهده ی اتحادیه ی اروپا) قدرتی در آن سوی آب های اقیانوس اطلس در حال تکوین و شکل گیری بود که کمتر کسی تصور می کرد، در مواردی بتواند چالشی برای حس هژمونی طلبی ایالات متحده ی آمریکا محسوب گردد. از این رو، تمرکز این پژوهش از سال های اولیه ی پس از پایان جنگ سرد تاکنون است؛ گرچه به دوران جنگ سرد و در مواردی خاص و بنا به اقتضای موضوع، در بخش هایی از پایان نامه به فاصله ی بین دو جنگ جهانی و دوران قبل از جنگ جهانی اول نیز اشاره خواهد شد. با این حال، تأکید و تمرکز بر دو دهه ای است که از پایان